

اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها

جهانبخش ثواب*

سودابه معظمی گودرزی**

چکیده

برقراری امنیت اجتماعی توسط نظام‌های سیاسی موجب آرامش روانی، رضایتمندی و مطلوبیت زندگی مردم و تداوم قدرت و حیات سیاسی زمامداران می‌گردد. زمامداران با جلوگیری از چالش‌های ضد امنیتی، به شیوه‌های گوناگون، امنیت حوزه حاکمیتی خود را تأمین می‌کردند. حکومت قاجار نیز با عوامل برهم‌زننده نظم و امنیت روبه‌رو بود که موجودیت آن را به چالش می‌کشید و باید در برابر این بحران‌ها اقداماتی انجام دادند دهند تا حاکمیت خویش را تداوم بخشند. اما، تدابیر به دلیل گستردگی قلمرو، ساختار سیاسی، کانون‌های بحران داخلی و پیچیدگی اوضاع در اثر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از عهده امنیت پایدار و نهادینه برنیامدند. در این بررسی که از نوع پژوهش تاریخی است براساس منابع و به شیوه توصیفی-تحلیلی، برخی از عوامل مؤثر در بروز ناامنی اجتماعی در دوره قاجاریه، از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه، بررسی و اقدامات قاجارها برای برقراری امنیت و مقابله با ناامنی تحلیل می‌شود. یافته پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات تأمینی قاجارها بیشتر متکی بر اعزام قشون برای سرکوب شورش‌ها، به‌کارگیری نیروهای امنیتی سنتی و به‌کار بستن مجازات‌های خشن نسبت به عوامل انسانی ناامنی بود که به سبب کارساز نبودن و ایجاد نکردن بسترهای تقویت‌کننده امنیت پایدار، پدیده ناامنی اجتماعی امری متداول بود.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه، امنیت اجتماعی، مجازات، تأسیسات دفاعی، نیروهای امنیتی.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول مکاتبات) jahan_savagheb@yahoo.com

** کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۳

۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم نظام حکومتی قاجاریه چگونگی برقراری امنیت و ماندگاری و تداوم آن بود؛ زیرا شکنندگی و ناپایداری امنیت عمومی بر حیات سیاسی این سلسله تأثیر منفی می‌گذاشت و حیات اجتماعی را به از هم پاشیدگی تهدید می‌کرد. در این دوره در اثر عوامل گوناگون، امنیت کشور شکننده و ناپایدار و ناامنی اجتماعی گریبانگیر جامعه بود. از این رو برقراری امنیت در پایتخت و ایالات، راهها و مرزها از حساسیت زیادی برخوردار بود و یکی از چالش‌های عمده نظام قاجاری به‌شمار می‌رفت. همین ضرورت، حکومت قاجار را ناگزیر ساخت تدابیری برای مواجهه با ناامنی به‌کار بندد. هدف اصلی در این مقاله، بررسی و تبیین اقدامات مختلف زمامداران قاجاری برای برقراری و تثبیت امنیت در کشور از آغاز تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه است. بر این مبنا این پرسش مطرح می‌شود که قاجارها در مقابله با ناامنی‌های اجتماعی چه تدابیری را به کار می‌بستند؟ فرضیه پژوهش آن است که اقدامات تأمینی قاجارها زیربنایی و زیرساختی برای رفع بسترهای تحدید کننده امنیت نبود بلکه واکنش‌های مقابله‌ای با بحران‌ها برای تداوم قدرت سیاسی بود. ساختار نظام سیاسی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله عوامل بسترساز ناامنی اجتماعی در این دوره بوده‌اند.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است و با تکیه بر منابع اصلی تاریخی و سفرنامه‌ای، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است. در خصوص پیشینه تحقیق گفتنی است پژوهش‌هایی که درباره نظمی (سیفی، ۱۳۶۲)، پلیس و پلیس بازار (فلور، ۱۳۶۶)، داروغه (لمبتون، ۱۳۶۳. یوسفی‌فر و شکرزاده، ۱۳۹۳) انجام شده و پژوهش‌های دیگری که درباره نظام اداری و نهاد قضایی و دادگستری این دوره صورت گرفته، این نهادها و مناصب را از جنبه شکل‌گیری و وظایف و کارکردها بررسی کرده‌اند. احمدزاده (۱۳۹۳) در مقاله خود، بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه را مطرح کرده و ثواقب (۱۳۹۴-۱۳۹۳) نیز علل ناپایداری امنیتی این دوره را بررسی نموده اما به اقدامات مصون‌سازی امنیتی قاجارها پرداخته‌اند. تنها مقاله دیگر ثواقب (۱۳۹۴) درباره مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه، یکی از اقدامات امنیتی این دوره را پوشش می‌دهد. از این رو پژوهش حاضر، بر اقدامات قاجارها برای مقابله با ناامنی‌های تهدیدگر این دوره تأکید کرده و متمایز از موارد ذکر شده، می‌تواند خلاء موجود در این زمینه را برطرف نماید.

۲. عوامل تأثیرگذار بر ناامنی اجتماعی

در عصر قاجاریه عوامل گوناگونی بر مؤلفه امنیت تأثیر می‌گذاشت که موجب گستردگی دامنه ناامنی و کاهش ضریب امنیت اجتماعی در کشور می‌شد. این عوامل هم ریشه در ساختار سیاسی نظام قاجاری داشت و هم متغیرهای مداخله‌گر نظیر دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی، آن را دامن می‌زد. مراد از امنیت اجتماعی نیز «تأمین حفظ جان، مال و شوون» همه شهروندان و جلوگیری از «آسیب‌های اجتماعی از طریق برقراری نظم و قانون» توسط دولت‌ها و نهادهای رسمی است (احمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۶) به گونه‌ای که مردم از تهدیدات مختلف شامل حملات خشونت‌آمیز و راهزنی‌ها، قتل و غارت، از دست دادن سلامت جسمانی و آرامش روانی، نابودی سرمایه و حق مالکیت در امان بوده و احساس خوف و خطر ننمایند.

از مجموع آگاهی‌ها در تاریخ قاجاریه می‌توان به فهرستی از عوامل بروز ناامنی در کشور دست یافت که در بی‌ثباتی و شکنندگی اوضاع اجتماعی تأثیر می‌گذاشت از جمله؛ ساختار سنتی قبیله‌ای نظام ایالات دوره قاجار، گستردگی قلمرو قاجاریه و دور بودن ایالات از یکدیگر و وضعیت نامناسب و ناامن راه‌های طولانی و متعدد بین این ایالات، کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی شاهزادگان قاجاری برای تصاحب تاج و تخت، شورش‌های برخی سرداران و حکام قدرت‌طلب و وابستگان خاندان حکومتگر پیشین، تحریکات ضد امنیتی فرصت‌طلبان و یاغیان و گردنکشان، وقوع شورش‌های متعدد در ایام سلطنت هر پادشاه، ساختار ناسالم نظام اداری و رواج رشوه و فساد در میان کارگزاران دولت، رفتار خشونت‌آمیز و عملکرد نادرست و شیوه مدیریت حکام و مأموران دولت قاجار، درگیری و جدال حکام ایالات با یکدیگر، تجاوز و زورگویی نظامیان، ناکارآمدی نیروهای امنیتی سنتی و ضعف عوامل باردارنده اقدامات ضد امنیتی، ضعف حکومت ایالتی در جلوگیری یا مجازات راهزنان که موجب ترغیب آنان به حمله می‌شد، روحیه سودجویی و ظلم برخی از مقامات مسؤول برقراری امنیت در شهرها، تبانی پلیس با دزدان و همکاری برخی از مقامات دولتی و نگهبانان و دیگران با راهزنان و دادن اطلاعات به آنها درباره کاروان‌ها و مسافران و غیره، ناتوانی تفنگچیان و سربازانی که وظیفه برقراری امنیت مسافران و کاروانیان و مبارزه با راهزنان را در راهها بر عهده داشتند در انجام وظیفه خود و رو آوردن به کارهای غیر حرفه‌ای برای کسب درآمد، وجود قبایل و عشایر و بافت جمعیتی

عشیره‌ای گوناگون و حملات و دستبردهای ایلات ترکمن و گُرد و بختیاری و لُر، فقر و تنگدستی و فشار مالی بر مردم به‌ویژه روستائینان و عشایر که موجب پیوستن آنان به شورش‌ها می‌شد، ضعف محاکم قضایی و نقص نظام حقوقی، نزاع‌های لوطی‌ها و وجود منازعات فرقه‌ای و کشمکش‌های گروهی در شهرها، سنت بست‌نشینی که به‌تدریج به ابزاری برای فرار مجرمین از قانون و مجازات و دست زدن به کارهای خودسرانه و ناامنی تبدیل شد، جنگ‌های متعدد در نواحی غربی، قفقاز، شمال شرق و خراسان، جنوب و ... (نظیر دو دوره جنگ‌های ایران و روس، درگیری‌های با عثمانی، لشکرکشی انگلیسی‌ها به نواحی جنوبی در قضیه هرات دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه، لشکرکشی‌های دولت مرکزی به خراسان برای درگیری با ترکمن‌ها و دیگر عناصر ناراضی)، حضور قدرت‌های اروپایی و دخالت‌های آنها در امور داخلی و حتی دامن زدن به شورش‌ها و تمایلات جدایی‌خواهانه در میان فرصت‌طلبان و مخالفان نظام قاجاری، نظیر شورش بابیه، محلاتیه، سالاریه و از این قبیل (برای تفصیل این موارد، ر.ک: ثواقب، ۱۳۹۴-۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۰۹-۱۰۹. رجایی، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۱۰۰).

۳. اقدامات قاجارها در برقراری امنیت

به موازات شورش‌ها و اغتشاشات درون شهرها و ناامنی‌های ایلات و طوایف و اهمیت یافتن امنیت اجتماعی، حکومت قاجاری نیز برای غلبه بر این عوامل، اقداماتی را به کار می‌بست که از دامنه ناامنی‌ها بکاهد و دولت را در سرکوب شورش‌ها و کنترل بحران‌ها توانا نشان دهد. نمایش وضعیتی آرام در ایالات و امن بودن راهها برای پادشاهان قاجار و تداوم قدرت آنان بسیار مهم بود. این اقدامات از تدابیر دفاعی و بازدارندگی، احداث تأسیسات امنیتی در شهرها و راهها، تقویت استحکامات حفاظتی شهرها، تا سرکوب شدید و مجازات خشن اخلالگران و سرکشان را شامل می‌شد.

۳-۱. مقابله با عوامل هرج و مرج و لشکرکشی نظامی برای سرکوب شورش‌ها

یکی از راههای برقراری امنیت و ایجاد آرامش در شهرها، مبارزه با برهم‌زنندگان نظم اجتماعی، دزدان، راهزنان، یاغیان و لوطیان بود. برخی از صدراعظم‌های قاجار که در پی تمرکز قدرت و انجام اصلاحات درون حکومتی بودند، برنامه مقابله‌ای با عوامل هرج و مرج و نابسامانی در کشور تدارک می‌دیدند. بنا به گزارش بروگش، مهم‌ترین کار امیرکبیر

پس از عهده‌دار شدن مقام صدراعظمی این بود که توانست بی‌نظمی و شورش و طغیانی را که در سراسر کشور شروع شده بود، پایان دهد. «قتل و غارت و راهزنی و دزدی در جاده‌ها و داخل شهر یک امر عادی و روزمره شده بود و کسی که از خانه‌اش خارج می‌شد، امید نداشت که شب سالم به خانه بازگردد. لوطی‌های محل، کوچه و خیابان‌ها را قُرق کرده، مردم را می‌کشتند و مجروح می‌کردند. در ولایات نیز حکام، مرگ [محمد] شاه را فرصتی برای اعمال زور و غارت اموال مردم می‌یافتند و ایلات و عشایر هم از پرداخت مالیات و عوارض خودداری می‌کردند. امیرکبیر می‌دانست که باید شروع به اقداماتی جدی کند تا گردنکشان بترسند و دست از کار خود بردارند، از این رو با شدت عمل به سرکوبی آنها پرداخت. افراد شرور، شلاق خوردند و نظم و ترتیب دوباره در کشور مستقر شد» (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۷). امیر مبارزه‌ی جدی و بی‌امانی را با دزدی و فساد در تمام شئون کشور آغاز کرد. کارمندان دولت و سربازان که مدت‌ها حقوق نگرفته بودند و حقوق آنها را مقامات بالا و فرماندهان‌شان می‌خوردند به طور مرتب این حقوق را دریافت کردند. دست دزدان را از کارها کوتاه کرد و خودش به تنظیم لیست مالیات‌ها پرداخت (همان: ۲۶۸).

برخی از حکام مقتدر قاجاری نیز گاه می‌توانستند در منطقه حکومتی خود، گروه‌های سرکش و اشرار را ریشه‌کن کنند. اما در زمانی دیگر گروه‌هایی مشابه شکل می‌گرفت که گاه از حمایت حامیانی هم برخوردار بودند. برای نمونه، منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان با لغو بست محله‌ی برزن بیدآباد اصفهان که خانه مجتهد بزرگ شهر در آن قرار داشت و پناهگاه مجرمان و قانون‌شکنان شده بود، بسیاری از آنها را دستگیر و به تهران اعزام کرد تا به کیفر اعمال ناشایست خود به دار آویخته شوند. همچنین لوطیان اصفهان را که با استفاده از این وضعیت به ایجاد آشوب و ناامنی می‌پرداختند و اوضاع شهر را آشفته ساخته بودند، سرکوب و از جایگاه‌هایشان بیرون راند (دوبلد، ۱۳۸۸: ۴۲). او همچنین توانست سرانجام محمدتقی خان بختیاری را که شورش کرده و آن ناحیه را ناامن ساخته بود دستگیر و به دربار فرستد و بسیاری از بختیاری‌ها به قتل رسیدند (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۵). ظل‌السلطان حاکم اصفهان در دوره ناصرالدین شاه توانست آخرین ایلیخانی بختیاری را که احتمال می‌داد قصد شورش داشته باشد با حيله‌ای به اصفهان دعوت کند و در آنجا او را به قتل رساند (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

لشکرکشی آغامحمدخان قاجار به تفلیس برای سرکوب شورش آرایکلی گرجی و آرام کردن اوضاع گرجستان، لشکرکشی به خراسان برای سرکوب ترکمن‌ها و شورشیان و نیز برای براندازی افشارها و تعیین وضعیت افغانستان، جنگ با صادق خان شقاقی که تمرد

کرده بود به سال ۱۲۰۵ق. در حوالی سراب و شکست دادن او از اقدامات نخستین شاه قاجار است (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۳-۱۹۲، ۲۰۱. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۱۳/۳ و ۱۴۱۵).

درگیری‌های داخلی فتحعلی شاه در آغاز سلطنت با برخی سرداران آغامحمدخان، وابستگان پادشاه و حکام محلی آذربایجان به ویژه امرای دنبلی در خوی و ماکو و شورشیان و مخالفان خراسان و فارس، نظیر صادق خان شقاقی که پس از قتل آغامحمدخان، دوباره در سودای سلطنت افتاد و با قشون آذربایجان درگیر جنگ با فتحعلی شاه شد و شکست خورد (ساروی، ۱۳۷۱: ۳۰۶-۳۰۳. اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۴۵-۱۴۴۱، ۱۴۵۰، ۱۴۵۴) ، سرکوب شورش حسینقلی خان برادر شاه و حاکم فارس و سرانجام حبس و کور کردن وی (دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۲، ۷۳. اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۱، ۹۹-۱۰۰)، مجازات شدید محمدولی خان قاجار و برخی دیگر از شورشیان که در طغیان حسینقلی خان با وی همراهی کرده بودند (شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۳/۱، ۱۵۹. محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۲۴)، سرکوب محمدخان زند فرزند زکی خان که برای احیای قدرت زندیه شورش کرد به سال ۱۲۱۲ق. و دستگیری و کشتن یکی از یاران او به نام نجف خان زند با عده‌ای از نیروهایش (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۹-۷۷ و ۸۸-۸۷. محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۲۲-۱۱۸)، لشکرکشی برای سرکوب نادر میرزا پسر شاهرخ افشار که به قصد دستیابی به قدرت در خراسان شورش کرد به سال ۱۲۱۴ق. و سرانجام دستگیری او در سال ۱۲۱۸ق. که با برادرانش به قتل رسیدند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۱-۵۰، ۸۵. شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۰۸-۱۰۶، ۱۸۰).

در سال ۱۲۴۶ق. عباس میرزا ولیعهد به خراسان لشکر کشید تا رؤسا و بزرگان ایالت خراسان را که هریک دعوی خودسری داشتند مطیع سازد و نواحی تا کنار رودخانه جیحون را تسخیر کرده به زیر فرمان شاه قاجار درآورد. او توانست نواحی خراسان را مسخر نموده و حکام آنها را مطیع سازد (مارکام، ۱۳۶۴: ۷۴). عباس میرزا پس از عبور از سمنان و دامغان و بسطام وارد قلعه سلطان میدان از قلاع رضاقلی خان گرد شده و آنجا را تصرف و خراب کرد. سپس عازم مشهد شد. خسرو میرزا که برای پیوستن به عباس میرزا وارد خراسان شده بود نیز توانست حصار ترشیز از قلاع معروف را فتح کند. این اولین فتحی بود که در سفر خراسان روی داد (محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۲۹۸). در ادامه این لشکرکشی، قلعه مستحکم امیرآباد در چناران تصرف شد. این قلعه را رضاقلی خان گرد که به همراهی ترکمانان و مخالفان دولت به غارت و آزار کاروان‌ها و زائران می‌پرداخت بنا کرده و پایگاه خود ساخته بود. اما پس از نه روز محاصره، نیروهای مهندسی عباس میرزا با انفجار یکی از برج‌های قلعه، دیوار آن را فرو ریخته و توانستند قلعه را بگشایند (همان: ۳۰۱-۳۰۰). گام

بعدی نایب السلطنه تسخیر قوچان بود که رضاقلی خان جمیع ابلاط خود را از اطراف کوچانیده و به آنجا برده بود. با تصرف قوچان دوران خودسری رضاقلی خان به پایان رسید و به اصطبل ولیعهد پناهنده شد و محبوس گردید (همان: ۳۱۰-۳۰۹). در ادامه، ولایت سرخس فتح شد. پنج هزار خانوار سرخس را کوچانده در ولایات خراسان و نواحی مشهد اسکان دادند. دویست نفر از بزرگان سرخس را که سالیان متمادی به اسیر گرفتن و کشتن مردم می‌پرداختند گردن زدند. چهار هزار از اسرای شیعه که در قلعه سرخس در بند بودند آزاد گشتند و هزاران اسب و شتر نصیب ولیعهد شد. بزرگان هرات نیز سکه به نام پادشاه قاجار زدند و خطبه به اسم او خواندند. اما عباس میرزا خود از راه آق‌دریبد به طرف هرات حرکت کرد (همان: ۳۱۳-۳۱۱. مارکام، ۱۳۶۴: ۷۵).

جنگ‌های آغاز سلطنت محمد شاه با شاهزادگان قاجاری مدعی تصاحب تاج و تخت با درایت و تدبیر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، از جمله؛ شاهزاده ظل‌السلطان پسر فتحعلی شاه در پایتخت (شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۳۳/۲-۹۳۳-۹۳۲. اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۹۲)، حسینعلی میرزا فرمانفرما در فارس و برادرش حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه در کرمان (شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۳۱/۲. اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۹۳). لشکرکشی برای سرکوب دیگر شورش‌ها نظیر؛ طغیان ولی خان ممسنی در فارس (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۱-۲۸۰)، تحرکات افغان‌های هرات و ترکمانان (همان: ۲۸۲-۲۸۱. سیدمحمد لشکرنویس، ۱۳۴۷: ۱۴۴-۷۲. سفرنامه حمزه میرزا، ۱۳۸۷: ۸۸-۳۳)، طغیان محمدتقی خان بختیاری، طغیان آقاخان محلاتی در کرمان (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۵)، طغیان محمدحسن خان سالار در خراسان که «راه آمد و شد خراسان به واسطه فتنه و فساد وی مسدود گردید» (همان: ۲۸۸-۲۸۷)، شورش علی محمد باب در شیراز (همان: ۲۸۷-۲۸۶. فووریه، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۵۶)، واقعه قره‌العین (فووریه، ۱۳۸۹: ۱۵۷. شیل، ۱۳۶۸: ۲۶۴). نیز سرکوب جمعی از مردم شیراز به سال ۱۲۵۵ق. که بر شاهزاده فریدون میرزا فرمانفرمای فارس شوریده بودند و قتل و دستگیری جمعی از شورشیان (شیرازی، ۱۳۹۱: ۲۸۳-۲۸۲). سرکوب شورش مردم اصفهان علیه خسروخان گرجی حاکم شهر در همین سال و قتل بسیاری از شورشیان و کوچ چند خانوار از آنها به آذربایجان (همان: ۲۸۴-۲۸۳). سرکوب برخی از شورش‌ها و مقابله با راهزنی‌ها و سرقت‌های مسلحانه به تدبیر میرزا تقی خان امیرکبیر که بنا به گزارشی، در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه «به اوج خود رسیده بود و در جاده‌های خارج از شهرها، مخصوصاً در راه‌های خراسان و اصفهان به بوشهر، کسی جرأت عبور نداشت زیرا جان و مالش در خطر حمله سارقین بود» (بنجامین، ۱۳۹۴: ۲۲۱). کشتار بابیان در پی سوء قصد نافرجام به جان

ناصرالدین شاه (شیل، ۱۳۶۸: ۲۵۹-۲۵۵. هدایت، ۱۳۶۳: ۷۰، ۷۱، ۷۷). دستور ناصرالدین شاه (در سال ۱۲۹۵ق.) برای اعدام جمعی از سربازان که خواستار دریافت حقوق عقب افتاده خود بودند اما در ازدحامی که ایجاد شد و ظاهراً به تحریک افرادی دیگر، چند سنگ به کالسکه شاه پرتاب شد (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۷۸. هدایت، ۱۳۶۳: ۱۰۳). سرکوب خشن دزدان، راهزنان فارس و ریشه‌کن ساختن آن‌ها توسط معتمدالدوله فرمانروای شیراز که با ایجاد وحشت در دل مردم و کشتن تعداد زیادی از افراد، توانست در فارس که پر از راهزن شده بود و فساد سراپای دستگاه‌های دولتی را فرا گرفته بود، نظم و امنیتی برقرار کند که کم‌سابقه بود. در نتیجه این امنیت مالیات ایالت فارس به طور منظم جمع‌آوری می‌شد (بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۱-۱۸۰).

در دوره ناصرالدین شاه، فهرستی افزون بر ۱۷۰ مورد از شورش‌ها، فتنه‌ها، آشوب و جنگ و لشکرکشی‌ها برای سرکوب، تنبیه و مجازات، قتل و غارت و اخراج شورشیان در چهل سال از حکمرانی وی ثبت شده است که بیانگر وجود ناامنی و آشوب و طغیان‌های مکرر در عصر قاجاریه و ناپایداری و شکنندگی امنیت و آرامش است. این حوادث در سراسر کشور از دارالخلافه تهران گرفته تا کردستان و دیگر نواحی کردنشین، کرمان، یزد، لرستان، زنجان، بلوچستان، هرات، خوزستان، بختیاری، گرمسیرات فارس، اصفهان، تبریز، بوشهر، خارک، کرمانشاه، بجنورد، نیشابور، مرو، سرخس، استرآباد و ... رخ داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۸۱ / ۱-۶۱).

۳-۲. اعمال مجازات‌های خشن نسبت به مجرمان

در این دوره مقامات حکومتی و حکام ایالات با اجرای مجازات‌های عرفی خشن نظیر چوب و فلک کردن، تازیانه زدن، گوش و دماغ بریدن، بریدن انگشتان، بریدن موها، بریدن سر یا دست، با طناب خفه کردن، چشم درآوردن، سوزانیدن، زنده زنده در گودال دفن کردن یا ملاط گرفتن، به درخت بستن و شقه کردن، حبس و زندانی کردن، تبعید کردن، اعدام کردن، مهار کردن و در شهر گردانیدن و تحقیر کردن، گرسنگی دادن، میخ کردن لاله گوش به دیوار، دم توپ گذاشتن، قطعه قطعه کردن اعضای بدن و بر سر دروازه‌ها آویختن، مصلوب کردن و دار زدن، کشتن با خنجر و شمشیر، جریمه کردن، کشیدن دندان و خرد کردن، چوب زیر ناخن فرو کردن، و شکنجه‌های دیگر،^۱ سعی داشتند دزدان و راهزنان و عوامل محلّ نامنی را مهار کنند و دیگران را به عبرت وادارند که تأثیر چندانی در پی

نداشت. هرچند برخی سیاحان این گونه اقدامات را در برقراری امنیت در راهها و کاهش راهزنی مؤثر دانسته‌اند (نک: موریه، ۱۳۸۶: ۲۴۰. بن‌تان، ۱۳۵۴: ۸۴. کرزن، ۱۳۷۳: ۵۹۳/۱. بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۱، ۲۲۲).

۳-۳. ایجاد تأسیسات دفاعی و استراحتگاهی بین‌راهی

در عصر ناصری به احداث برخی تأسیسات ارتباطی، بین‌راهی و استراحتگاهی برای مردم، عابران و کاروان‌ها برای حفظ امنیت و سلامت آنها اشاره شده است: نظیر کاروانسرا، قلعه، رباط، حمام، مهمانخانه، پست‌های نگهبانی، قراول‌خانه، چاپارخانه، یام‌خانه، پست‌خانه، آب‌انبار، پل و سد بر روی مسیرها و رودخانه‌ها برای گذر، ایجاد حوض و استخراج آب در منازل بین راه، حفر قنوات و نهرهای آب در شهرها و مسیرها، نیز راهسازی و تعمیر و اصلاح و هموارسازی و سنگفرش راهها و معابر درون شهری و برون شهری به سوی سرحدات به‌ویژه به سوی اماکن مذهبی در عراق، ایجاد دروازه‌ها و برج و باره و خندق و حصار و سیل‌بند به گرد شهرها، ایجاد قورخانه و توپخانه در شهرها، ساخت ارگ و ابنیه دیوانی در شهرها که فهرست بلندی از این نوع آثار برشمرده شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۲۵-۸۲). در خدمات امیرکبیر در این زمینه آمده است که ترتیب چاپارخانه منظم از اقدامات اوست (هدایت، ۱۳۶۳: ۷۲). وی پست را در ایران به وجود آورد و در راه‌های کشور ایستگاه‌های پستی و چاپارخانه‌هایی تأسیس کرد که به مسافران اسب می‌دادند و کاروانسراهایی ساخت که مسافران بتوانند در آنها شب را بگذرانند. جاده‌ها و پل‌های زیادی در سراسر کشور ساخت و با ایجاد پاسگاه‌ها و قراول‌خانه‌ها در طول راه‌ها، راهزنی را ریشه‌کن کرد (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۸). شیندلر تفصیل چاپارخانه‌های بین مشهد و تهران را گزارش نموده هر چند وضع آنها را نامناسب و با اسبان لنگ و زخم‌دار توصیف کرده و میزان هزینه‌ای را که دولت برای تعمیر این چاپارخانه‌ها پرداخت می‌کرده ناکافی دانسته است. او از دزدی چاپارچیان نیز سخن گفته است (شیندلر، ۱۳۴۷: ۲۰۶-۲۰۵).

کاروانسراهای میان راه‌ها به منزله قلاع کوچکی به‌شمار می‌رفتند که غالباً دارای برج‌های مراقبت بودند و مسافران به ویژه هنگام جنگ‌های داخلی درون آنها در حال محاصره به سر می‌بردند. زیرا به گفته‌ی دروویل در دوره‌ی هرج و مرج، سراسر ایران در معرض تهدید راهزنان بود و اینان از تجاوز به هیچ‌کس دریغ نداشتند (دروویل، ۱۳۸۹:

۸۱). قلعه ایزدخواست در مسیر راه شیراز - اصفهان با مساحتی در حدود ده هزار و هشتصد ذرع مربع، گنجایش هشت هزار نفر را داشت (نجم‌الدوله، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در ایزدخواست کاروانسرای شاه عباسی و چاپارخانه‌ای نیز وجود داشت (همان: ۱۴۳). حدود دویست باب چاپارخانه در اطراف مرکز تا سراسر کشور بود که بیش‌تر آن‌ها مخروبه بود. مخارج تعمیر سالیانه هرکدام را از دیوان ۲۵ تومان می‌دادند و به گفته‌ی چاپارچیان در هر چند سالی چهار تا پنج تومان برای اندود می‌دادند و مابقی را مباشرین جزء می‌خوردند. این مبلغ هر سال حدود چهار هزار تومان می‌شد (همان: ۱۴۲). یکی از سیاحان در مسیر خود به تفصیل از کاروانسراه‌های میان‌راهی ایران و وضعیت آنها سخن گفته و آگاهی‌های خوبی در این باره به دست داده است (د آلمانی، ۱۳۳۵: ۷۸۶-۶۲۷).

تهیه آب آشامیدنی مورد نیاز کاروان‌ها، مسافران، مرزداران و نگاهبانان راهها و نیز مردم شهر از دیگر اقدامات در این زمینه بود. در گزارشی از عصر سلطنت ناصرالدین شاه از حفر، بازسازی و اصلاح قنوات، آب‌انبارها و چاههای آب در نواحی مختلف اشاره شده است. حفر نهر آب از رودخانه کرج تا تهران، اجرای آب قلعه نُه‌گنبد و حسین‌آباد در راه یزد که دزدگاه بود، بنیاد آب‌انباری بسیار بزرگ در نارین‌قلعه یزد، اجرای نهر آب در شهر خرم‌آباد و رفع کمبود آب از مردم در همان سال، اجرای قنات رحمت‌آباد در شاهرود، احداث دو رشته قنات در بم و نورماشیر، احداث قناتی در شهر کرمان، بنای اصطخر آب در منزل حوض سلطان از راه قم، ساختن حوضی بزرگ در قم، احداث یک رشته قنات در قم برای رفع کمبود آب مردم، ایجاد یک رشته قنات در صحرای دوشان‌تپه، اجرای قنات شهر بهبهان، حفر و اجرای نهر شهر رشت، احداث و حفر قنوات در منزل میان‌دشت راه مشهد، احداث آب‌انبار و یخچال در جنب رباط زعفرانی در راه مشهد، اجرای چندین قنات در کرمان، احیاء و اجرای قنات نُه‌گنبد راه یزد، حفر و ایجاد قنات آب برای مردم شیراز، حفر قنات شکارآباد جنوب دوشان‌تپه (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۲۵-۸۲).

احداث و تعمیر راه و پل برای رفت و آمد مسافران و کاروانیان و نیز رفاه مردم در شهرها و معابر و حتی مأموریت‌های نظامی و لشکرکشی در افزایش امنیت اجتماعی تأثیر داشت. در گزارش مزبور به برخی از این اقدامات راهسازی و پل‌های مواصلاتی اشاره شده است: ساختن راه کتل بالای افچه از قرای قصران ری که به مازندران می‌رفت، تعمیر راه خیابان مازندران، ساختن راه گیلان، به‌سازی و هموارسازی و ساخت راه پیوزن و راه شریف‌آباد به مشهد مقدس، ساخت راه مازندران از البرز به کجور و کلاردشت، تکمیل تسویه راه گیلان به عراق و بستن پل‌های مسیر، تسطیح و تسویه و تسهیل و ساخت و

شوسه کردن راه هزارچم مازندران، اصلاح و تعمیر جاده و طریق دین آباد و طرق از نیشابور به مشهد، ساخت راه پیره بازار رشت، ساخت راه منگوده در رشت، تعریض و شوسه سازی راه پرخطر مسیر کربلا، ساخت و پرداخت تمام خط راه عتبات عالیات عراق از تهران تا خاتقین، ساختن بخشی از راه آمل به تهران، تسطیح و تسویه و شوسه کردن و عراده رو کردن خیابان های عمومی و مسیرهای کاروان ها و مسافران از تهران به سرحدات ایران، اصلاح و تسطیح و تسویه عرض راه از بسطام تا خراسان، ساخت راه از تهران به بسطام، ساخت راه از ده ملا تا بسطام، ایجاد شوسه راه قم، ساخت راه مسیر خرم دشت به طالقان، سنگ فرش معابر شهرهای تبریز، شیراز و بوشهر، تحجیر و سنگ چین کردن معابر مهم و مسیرهای عمومی تبریز، تسویه و تسطیح خیابان ها و معابر تهران و شوسه کردن کوچه های ارگ شاهی، تسطیح و اصلاح و ساخت جاده و شاهراه گردنه قوجک به کجور (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱/۸۲-۱۲۵).

تعمیر پل خواجوی اصفهان، تعمیر پل رودخانه قزل اوزن که از خاک گروس می گذشت، ساختن پل آق دربند، تعمیر سد پل دلاک و خود پل و کاروانسرای آن در قم، احداث پل بر رودخانه سیوند فارس، تعمیر پل شوشتر، تکمیل تسویه راه گیلان به عراق و بستن پل های مسیر، ساخت پل حاجی قرا، احداث پل منجیل، تجدید و بازسازی پل حاجی مابین استرآباد و آق قلعه، تجدید بنای پل فرحصار، احداث پل جدید بر سر رود ساوه، احداث پل ویژه بر سر رودخانه شور راه قم، تعمیر پل آجی، تجدید پل منجیل، تجدید پل خرم آباد، ایجاد پل کشکان، احداث و تجدید پل گلندوک (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱/۸۲-۱۲۵).

یکی از اقدامات حفاظتی در راهها ساخت قلعه بوده است. بنای قلاع متعدد در راهها برای مراقبت و تأمین امنیت مسافران انجام می شده و آنها را به نگهبان و تفنگچی مجهز می کردند. در گزارش اعتمادالسلطنه به ساخت و تعمیر و تجدید بنای بسیاری از این قلاع در سلطنت ناصرالدین شاه اشاره شده است، نظیر تعمیر قلعه شاهرود، احداث قلعه محکم دور حنظل آباد از دهات پشتکوه، احداث قلعه ای محکم در مرو برای اقامت قشون ساخلوی آن خطه، تعمیر قلعه مشهدی ریزه از توابع باخرز، تعمیر قلعه جزیره خارک، تأسیس و احداث قلعه ناصرآباد در مازندران، تجدید قلعه خرم آباد فیلی، احداث قلعه سرخس جدید ناصری، تعمیر قلعه قدیم شهر تهران، تعمیر آق قلعه استرآباد، ایجاد و بنیاد قلاع راه خوزستان که موجب اطمینان خاطر کاروان ها و امنیت راهها و معابر شد. احداث قلعه فهرج در بلوچستان، بنای قلعه مریوان کردستان، احداث قلعه سر تک و احیاء و ایجاد قلعه پلنگان

در میان کاله مازندران، بنای قلعه جایدر در خوزستان، بنای قلعه مظفریه در وسط راه خرم‌آباد به خوزستان، تجدید قلعه اران خوارری (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ج ۱/ ۸۲-۱۲۵) ..

۳-۴. ایجاد قراولخانه در شهرها و راهها

قراول به معنی نگاهبان، مستحفظ، پاسدار و دیدبانی که در برج و باروی اطراف شهر و جاده‌ها به مراقبت می‌پردازد یا سربازی که در محلی کشیک و نگهبانی می‌دهد، آمده است. نیز در معنای فوجی که از پیش رود، مقدمه، طلایع، طلایه‌دار و جلودار سپاه نیز به کار رفته است. مکانی که این نگاهبانان در آن قرار می‌گرفتند و به مراقبت می‌پرداختند، قراول‌خانه گفته می‌شد (معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۶۵۵-۲۶۵۴). در عصر قاجاریه، به راهنمایی میرزا تقی‌خان امیرکبیر که صدارت ناصرالدین شاه را در اوایل سلطنت او برعهده داشت، در شهرها قراول‌خانه تأسیس شد که نگاهبانان این قراول‌خانه‌ها را قراول می‌گفتند. وظیفه‌ی قراول‌ها حفظ نظم و قانون شهر در شبانه‌روز بود. قراولان، گاه به کمک پلیس سوار نظمیه‌ی شهر، شورش‌های شهرها را مهار می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۱/ ۴۰-۳۶).

در سال ۱۲۶۷ق. به دستور ناصرالدین شاه قراول‌خانه‌هایی از اصفهان تا مقصودبیک در راه فارس و هم از اصفهان تا کاشان احداث شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۹۲) و در ۱۲۶۸ق. قراول‌خانه‌هایی مستحکم برای استقرار نگاهبانان عابران و کاروان‌ها در معابر تراکمه دشت گرگان و استرآباد ساخت (همان: ۹۱). در همین سال، برج‌ها و قراول‌خانه‌های آق‌دربند به مباشرت عباس‌قلی خان بیگلربیگی تجدید بنا شد (همان: ۹۳). نیز در ۱۲۸۴ق. قلعه‌ها و قراول‌خانه‌های بسیاری در معابر ترکمان‌های آنک که به داخل کشور یورش آورده و به غارتگری می‌پرداختند، احداث کرد تا از ورود آنها جلوگیری شود (همان: ۱۰۳). از دیگر تدابیر در این باره تأسیس قلاع در الهاک و زیدر و سایر معابر تهاجم طوایف ترکمان و مسکونی ساختن آنها و قرار دادن نگاهبانان تفنگچی به سال ۱۲۶۷ق.، تجدید قلعه خواجه نفس در سرحد استرآباد و بستن بند گرگان هر دو به دست محمدولی خان بیگلربیگی استرآباد در همان سال (همان: ۹۰) و کشیدن باره و حفر خندق و ساختن شیرحاجی (از قسمت‌های استحفاظی در قلعه‌ها) دور قصبه عنایت‌آباد و میامی در سرحد معبر ترکمانان به سال ۱۲۶۸ق. بود (همان: ۹۲). همچنین در سال ۱۲۶۷ق. از احداث قراول‌خانه‌ها در شهرهای بزرگ، ایجاد و احداث چاپارخانه‌ها و یام‌خانه‌ها در سراسر کشور، احداث و ایجاد قلاع جهت آسایش کاروان‌ها و عابران از دزفول تا بروجرد، احداث رباط‌هایی در مسیر راه

دزفول به خرم‌آباد، احداث پانزده باب چاپارخانه در خط چاپاری مملکت فارس، احداث قلعه‌ای محکم دور حنظل‌آباد از دهات پشتکوه، و در سال ۱۳۰۳ق. از بنا و احداث محکمه و قراول‌خانه در سمت اجارود نمین، سخن به میان آمده است (نک: همان: ۹۲-۹۱ و ۱۱۴). سفیر فرانسه در مسیر حرکت خود از ارومیه، از قراول‌خانه‌های زیاد که از بیم تاخت و تاز کردها ایجاد شده بود گزارش داده است (اوبن، ۱۳۶۲: ۹۵).

البته وجود این نیرو به این معنا نیست که در انجام وظیفه خود کوشا و قوی بوده‌اند. قراول‌ها همانند گزمه‌ها چندان در برقراری امنیت شهرها موفق نبودند (فلور، ۱۳۶۶: ۴۰/۱). یکی از سیاحان روس قراولانی را مشاهده کرده که به جای اینکه در محل‌های خود به نگهبانی مشغول باشند، در کمال آسودگی مشغول صرافی بوده، یا لباس‌های خود را وصله می‌زده‌اند و یا به خواب رفته بوده‌اند (گزارش ایران، ۱۳۶۳: ۵۰).

۳-۵. به کارگیری راهداران و قراسوران‌ها

راهداران و قره(قرا)سوران‌ها بیشتر وظیفه امنیت راهها و جاده‌های ارتباطی را داشتند. یکی از راهکارهای مبارزه‌ی دولت با راهزنی و محافظت از مسافران در ابتدا تأسیس پست‌های راهداری بود که سربازان در آنها مستقر بودند، اما بعدها فقط هنگامی از طرف حاکم، راهدار اعزام می‌شد که در نقطه‌ای غارت رخ می‌داد. این راهدارها موظف بودند که جاده‌ها را از دزدان پاک کنند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۵). در گزارش‌های اوژن فلاندن و دوبد در مسیر شیراز به سوی کازرون از راهدارخانه‌هایی صحبت شده که راهدارها از کاروان‌ها حق راهداری می‌گرفته‌اند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۴۲. دوبد، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

نیروی دیگری که به شکل دسته‌های سوار از طرف دولت مأمور حراست و امنیت راهها و جاده‌ها می‌شدند تا مسافران و کاروان‌ها را از شر راهزنان محفوظ دارند، قره‌سوران نام داشتند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۲۲. معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۶۵۲، ۲۶۶۹). اگر روستایی در کنار جاده‌ی بزرگی واقع شده بود، تأمین امنیت قسمتی از راه به عهده‌ی ساکنان آن روستا بود و از میان آنان عده‌ای به عنوان قره‌سوران تعیین و برای مراقبت منطقه‌ی مورد نظر اعزام می‌شدند. این افراد، مسلح و یونیفورم‌پوش بودند و همواره در اختیار حکومت قرار می‌گرفتند و از پرداخت مالیات معاف بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۴). اولیویه در آغاز قاجاریه در مسیر کرمانشاه به تهران با تعداد هشت نفر همراه بدون بیم از دزد و راهزن مسافرت می‌کند و اظهار می‌کند که از زمانی که آغامحمد خان قاجار به سلطنت نشسته است به آسودگی

تمام در مملکت ایران می‌شود سفر کرد. زیرا در همه‌ی راهها و کاروانسراها، قراسوران مستحفظ حضور داشتند. اگر شخصی در مسیر راهها گرفتار دزد گردد یا مالی از او به سرقت برود، بخششی بر ساکنان آن حول و حوش نبود. افزون براین باید کلیه اموال مسروقه گرفته می‌شد و در مورد نگهبانان راهها، جزایی غیر از قتل نبود (اولیویه، ۱۳۷۱: ۴۱). اولیویه تأیید می‌کند که آغامحمد خان نظمی گذاشته، راهها امنیت یافته، کاروانیان و مسافران از صدمه‌ی راهزنان ایمن بودند، خوانین و حکام، احکام او را بی‌تخلف اجرا می‌کردند و به ظاهر در سراسر قلمرو مملکت آسودگی بود. هرچند وی از تداوم این وضعیت در آینده مطمئن نبود (همان: ۹۵). اوژن اوبن سفیر فرانسه نقل کرده که در میانه، فرمانده جوان قره‌سوران‌های محافظ راهها به استقبال وی آمده و تا تبریز او را همراهی کرده است (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۸). نجم‌الدوله در سفر خود در دیدار از تخت جمشید با محمدجعفر خان سرکرده ۴۰ نفر تفنگچی قراسوران ملاقات دارد که از سوی محمدصادق خان همشیره‌زاده صاحب‌دیوان از شیراز برای خدمت به وی مأموریت یافته بودند (نجم‌الدوله، ۱۳۸۶: ۱۳۵). البته قره‌سوران‌ها به خوبی از عهده امنیت برنمی‌آمدند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۴۷).

۳-۶. تقویت استحکامات دفاعی شهرها

استحکامات و برج و باروی شهرها در امنیت آنها تأثیر داشت. هرچه شهر از ضریب امنیت دفاعی بیشتری برخوردار بود خطر موفقیت دزدان و راهزنان در آسیب زدن به شهر کمتر بود. برای نمونه، شهر خوی دارای برج و بارویی از خاک رس بود. دیوارهای کنگره‌دار، خندق‌های عمیق، خاک‌های دست‌ریز، پل‌های متحرک، دروازه‌ها و درهای دوگانه شهر به خوبی حفظ شده بود. این تمهیدات و سیستم دفاعی برای دفاع از شهر مؤثر و کارساز بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۸۰). این شیوه شهرسازی در ایران عمومیت داشت. دور هر قصبه‌ای حصار از گِل دارای برج‌های مرتفع آجری کنگره‌دار بود و گرد شهرها (افزون بر حصار و برج) خندق نیز کنده بودند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۶). حصار مشهد از دیواری تشکیل یافته بود که در اطراف شهر دور می‌زد. قطر آن در قاعده ۲/۷۵ متر و در رأس ۱/۲۵ متر بود و در فاصله‌های متعدد دارای برج‌های دفاعی بود. به گرد حصار نیز خندقی قرار داشت (د آلمانی، ۱۳۳۵: ۶۱۸). در اثر حملات راهزنان ایلی، روستاها و شهرها ناچار بر استحکامات دفاعی خود می‌افزودند، دیوارها و دروازه‌ها را مرمت می‌کردند و گاه حالت قلعه مستحکم

را می‌یافتند. کاروان‌ها نیز پیش از حرکت می‌بایست از عدم حمله مهاجمان در مسیر خود مطمئن می‌شدند (همبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۱). همین استحکامات دفاعی از دید پولاک در عدم وقوع غارت و دزدی از کاروان‌ها و اموال مؤثر بوده است. زیرا به گزارش وی تقریباً دور تا دور تمام دهات دیوارهای بلند کشیده شده بود و از این دهات فقط از یک دروازه می‌شد به بیرون راه یافت که آن هم شب‌ها بسته بود و امکان نداشت که عده‌ای سوار بدون اطلاع و موافقت همه اهالی به داخل ده بیایند یا از آن‌جا خارج شوند. غارتگرانی که از راه دور می‌آمدند هرگاه حاکم محل به تدابیر لازم دست می‌زد به زودی شناخته و دستگیر می‌شدند. این رسم هم معمول بود که هرگاه کاروانی غارت می‌شد پیش از همه، پرداخت غرامت به عهده حاکم گذارده می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۲).

شهر تهران قدیم مدور بود و قریب یک فرسنگ دور آن می‌شد. بنای عمده در این شهر ارگ و عمارت سلطنتی بود که برج و باروی محکم داشت و خندقی دور آن حفر کرده بودند. دو سمت ارگ به قلعه شهر منتهی می‌شد و دو سمت دیگر متصل به شهر بود. خندق ارگ از سمت شهر پلی چوبین داشت که از روی آن عبور نموده داخل میدان ارگ می‌شدند و به درب‌خانه پادشاه می‌رفتند. عمارت سلطنتی تهران بسیار وسیع بود. حیاط‌ها و باغ‌های متعدد و حرم‌خانه بسیار معتبر داشت (مارکام، ۱۳۶۴: ۳۴). به گزارش گاردان در تهران جلوی هر دروازه‌ای از ۲۰۰ تا ۳۰۰ قدم برجی گلی ساخته بودند و روی آن را اندود کرده و خندقی نیز گرداگرد تهران بود که هیچ قسمت آن از قلعه دیده نمی‌شد (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۶). خندق در حقیقت وسیله‌ی دفاعی و حفاظی برای شهر به شمار می‌رفت. پس از خندق، حصار و دیوار بلند خاکی شهر وجود داشت که در هر پنجاه یا شصت متر دارای یک برج بود که در آنها توپ‌ها را مستقر کرده و افراد پیاده هم می‌توانستند در آنها مستقر شده و از سوراخ‌های برج‌ها مهاجم را زیر آتش خود قرار دهند. تهران دارای شش دروازه بزرگ بود. در اطراف هر دروازه دو برج مستحکم و بزرگ دژمانند وجود داشت که از آجر و سنگ‌های الوان ساخته شده بود و با انواع کاشی‌های خوش‌رنگ تزئین شده بود (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۴). اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۹-۶۸). همین توصیفات را یکی دیگر از سیاحان خارجی این دوره با تصویری شاعرانه‌تر درباره‌ی دروازه‌ها و برج‌ها و وضعیت داخلی شهر ارائه داده است (بل، ۱۳۶۳: ۲۳-۱۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۳، ۸۸، ۸۹). اعتمادالسلطنه، تأسیس و بنیاد شهر جدید دارالخلافه ناصری را یکی از آثار ناصرالدین شاه برشمرده که کلنگ آن در ۱۲۸۴ق. به زمین زده شد. وی مساحت شهر جدید را تقریباً سه فرسنگ و نیم با دوازده دروازه ذکر کرده و از خندق و خاکریز و فاصله آن با باروی شهر

قدیم سخن گفته است (همان: ۸۹ و ۱۰۴). جلوی دروازه ارگ (قصر) شاهی در تهران، گارد ویژه نگهبانی پاس می‌داد. شب هنگام دروازه ارگ را می‌بستند و اگر کسی می‌خواست از دروازه عبور کند، فقط همراه با مأمور پلیس یا پروانه عبور صادره از طرف اداره پلیس امکان‌پذیر بود (کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). شبانگاه از ساعت نه هرکس می‌بایست در خانه خود می‌بود زیرا در ساعات ممنوعه اگر پلیس کسی را در کوچه و خیابان می‌دید او را نزد کدخدا و داروغه می‌برد و ناچار تا صبح در آنجا می‌ماند و پس از سختی‌هایی که می‌دید با پرداخت جریمه رها می‌شد (د آلمانی، ۱۳۳۵: ۷۹۵).

مأموران پلیس به مردم تهران اخطار کرده بودند که برای حفظ امنیت خود، شب‌ها بدون فانوس از منزل خارج نشوند و بدین ترتیب هر کس در تاریکی شب می‌خواست از منزل بیرون رود و یا از کوچه و بازار به منزل برگردد می‌بایست فانوسی را در دست می‌گرفت که جلوی پای خود را بتواند ببیند تا در تاریکی شب در چاله چوله‌های خیابان نیفتد و به او صدمه‌ای نرسد، و نیز مورد حمله‌ی دزدان هم واقع نشود. طبقات اعیان و اشراف فانوس‌هایی را به دست نوکران خود می‌دادند که جلو و اطراف آنها حرکت و راه را روشن می‌کردند (بروگش، ۱۳۸۹: ۲۶۶. کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). بنا به گزارشی از یک سیاح روس به سال ۱۳۰۵ق. کوچه‌های تهران به واسطه‌ی فانوس‌های روغن کرچک‌دار تا شش ساعت از شب گذشته روشن بود و با توجه به اینکه در تهران کارخانه چراغ‌گازی احداث شده بود، بهترین محلات تهران و عمارت سلطنتی از همان چراغ‌گاز روشن می‌شد (گزارش ایران...، ۱۳۶۳: ۳۰). در این گزارش، از دیوار گلی مستحکم شهر که اطراف آن را خندق بسیار عمیقی احاطه نموده بود و از هر طرف این دیوار یک دروازه زیبا با کاشی‌کاری‌های بسیار خوب قرار داشت، یاد شده است (همان: ۲۷).

در سلطنت ناصرالدین شاه در رسیدگی به جنبه دفاعی و استحکامی شهرها موارد زیادی از ساخت و تعمیر دروازه‌ها، بروج و باره، حصار، خندق، عمارات و ابنیه دولتی، ارگ، انبارهای بزرگ، کاروانسراها، پل‌ها، رباط‌ها، قنات، آب‌انبار، نهرها و چاه‌های آب، توپخانه و قورخانه شهرها گزارش شده است. برخی از این اقدامات عبارتند از: تعمیرات دروازه‌های صدمه دیده زنجان در شورش بابیان، تعمیر بروج و باره شهر کرمان، تعمیر ارگ و ابنیه دیوانی مشهد مقدس، تعمیر ارگ بم و روئین دز نهبوند، تعمیر بروج و بدنه ارگ و شهر در دارالخلافه تهران، تعمیر دیوار حصار بوشهر به سمت دریا، تعمیر میدان توپخانه و نقاره‌خانه کرمانشاه، تأسیس و احداث قلعه ناصرآباد در مازندران و حفر خندق آن و خندق فرح‌آباد و نهر زاغ‌مرز و تجدید خندق حسین‌آباد، بنای قورخانه بزرگ در شیراز، تجدید

عمارات دیوانی و توپخانه و قورخانه استرآباد، تعمیر کاروانسرای شاه در ساری، تعمیر سد پل دلاک و خود پل و کاروانسرای آن در قم، تأسیس میزانی بزرگ شامل انبارهای وسیع در تبریز، بازسازی عمارات و تجدید ابنیه دولتی شیراز که در اثر زلزله تخریب شده بودند، تجدید و بازسازی ابنیه قورخانه و توپخانه محمره (خرمشهر)، بنای تعدادی رباط و حمام و کاروانسرای معتبر در کرمان، تجدید و مرمت و تأسیس و عمارت رباطات مسیر راه کرمان، بنای انبار در بندر مشهدسرای حفظ اموال و کالاهای وارده از دریای خزر به خاک مازندران. مرمت ارگ شهر سبزوار، احداث رباط زعفرانی در راه مشهد، احداث و بنای مهمانخانه و آب‌انبار و یخچال و چاپارخانه در جنب رباط زعفرانی، تجدید کاروانسرای واقع در نزدیکی پل قراسو محل عبور زائرین عتبات عالیات در عراق عرب، احداث مهمانخانه‌های راه شوسه قم، تعمیر قورخانه کلات، حفر خندق عمیق دور شهر بجنورد، عمارت کاروانسرای معتبر در بین راه خوزستان به خرم‌آباد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۲۵-۸۲).

۷-۳. گماشتن محافظ

یکی از راههای تأمین امنیت مسافران اروپایی در این دوره گماشتن محافظ و تفنگچی بود که مسؤولیت حفظ جان آنان را در مسیرها تا مقصد مورد نظرشان بر عهده داشتند. شب‌ها حکام شهرهای مسیر او ناگزیر بوده‌اند برای حفظ جان مسافران از دستبرد دزدان محافظ بگمارند یا در گذر از مناطق پرخطر، قراول و تفنگچی به همراهشان اعزام کنند. چنان‌که حاکم شیراز دو سرباز زبده برای حراست شبانه‌ی آنها می‌فرستد که با سنگربندی و تدابیری دزدانی را که قصد دستبرد داشتند فراری می‌دهند. حاکم کازرون و دهستان‌های مسیر تا ممسنی نیز با اعزام قراول و تفنگچی سعی نمودند که امنیت این گروه تأمین شود (نک: فلاندن، ۲۵۳۶: ۳۱۶، ۳۴۴-۳۴۲). وجود کشیکچی و محافظ برای شخص شاه و شاهزادگان و بزرگان چه در شهر و به ویژه در اردوها هنگام لشکرکشی ضروری بود. در این اردوها جماعتی حدود پانصد نفر شب‌ها دور چادر شاه یا ولیعهد کشیک می‌دادند. بستگان شاه یا ولیعهد هم هر کدام مسحفظینی داشتند که کشیک می‌دادند و تمام شب را برای اینکه غافل نشوند به صدای بیدارباش یکدیگر را می‌خواندند (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳۵).

۸-۳. گروگان نگه داشتن

قاجارها گاه برای جلوگیری از شورش برخی از بزرگان ایالات یا یورش طوایف ایلی به شهرها و نواحی مسکونی، بعضی از سران آنها را در دربار یا تهران و حتی در زندان پایتخت نگاه می‌داشتند تا از ارتکاب به رفتار نادرست پرهیز کنند. دولت مرکزی قاجار حدود چهل پنجاه خانوار ترکمن گوکلان را از ناحیه استرآباد به تهران منتقل کرد و با گروگان نگه داشتن مردان آن‌ها در پایتخت سعی داشتند از سرکشی افراد این قبیله جلوگیری کنند اما نتیجه‌بخش نبود (شیل، ۱۳۶۸: ۱۶۷). چنین حکایتی را یکی از مورخان داخلی نیز نقل کرده است. به سال ۱۲۱۸ق. دولت مرکزی یک لشکرکشی برای سرکوب طایفه گوکلان و یموت ترتیب می‌دهد و به قتل و غارت آنها دست می‌زند و تعداد زیادی از آنان را به اسارت درمی‌آورد. تعدادی از زنان بزرگان طایفه را به تهران کوچ دادند و بقیه را ملتزم و متعهد گرداندند (محمود میرزا قاجار، ۱۳۸۹: ۱۴۸). قزوین و کاشان و تهران پر بود از رؤسای قبایل و طوایف که به عنوان گروگان متوقف بودند و از اطاعت و انقیاد عشایر خود دم می‌زدند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۹۵).

۳-۹. تلاش برای ایجاد نظام عدلیه

یکی از مشکلات قاجارها که مانع از نهادینه شدن امنیت عمومی در جامعه می‌شد عدم تشکیلات کارآمد عدلیه و نظام مؤثر حقوقی و وحدت رویه قضایی برای مقابله با جرایم و برقراری امنیت و نظم عمومی در جامعه بود. نظام حقوقی دوره قاجار از نواقصی برخوردار بود و زمینه مناسبی برای فساد از جمله؛ رشوه و پیشکش در امر قضاوت عمومی داشت. برخی مناصب که در امور مربوط به دادرسی و صدور و اجرای احکام بودند آلوده به دریافت رشوه بودند (کرزن، ۱۳۷۳: ۱ / ۵۹۱). با اینکه مجموعه‌ای از قوانین وجود داشت اما هیچ‌یک از آنها به درستی اجرا نمی‌شد. چون عوامل بازدارنده قدرت قانون مانند حب و بغض‌ها، تحریکات مختلف، فساد و اعمال نفوذ همواره در کار بود و به مصلحت‌ها بیشتر از مواد قانون توجه می‌شد. قوانین شرعی نیز مورد استفاده کامل قرار نمی‌گرفت و یا در اجرا که به عهده مأموران حکومتی قرار داشت، به دلیل روش‌های گوناگون تفسیر و توجیه و اجرا، مشکلات مختلفی برای طرفین دعوی به‌وجود می‌آمد که منجر به فساد و آشفتگی می‌شد (شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۷-۱۱۶. د آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۴-۳۱). میرزا تقی خان امیرکبیر در دوران صدارت خود اصلاحاتی را در نظام قضایی در خصوص اصلاح محضر شرع، بنای دیوانخانه عدالت، رسیدگی به دادخواهی مردم علیه دولت، آیین جدید دادخواهی اقلیت

مذهبی، برانداختن رسم شکنجه متهم و مجرم، انجام داد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۰۸) اما با عزل وی روال پیشین ادامه یافت.

مشکلاتی که محاکم عرفی و مجازات‌های صادره از سوی مأموران اجرایی در پی داشت و اهتمام برخی صدراعظم‌های اصلاح‌گر به سامان دادن نظام عدلیه و نیز آشنایی با قوانین حقوقی مغرب زمین در اثر ارتباط با اروپا، ناصرالدین شاه را که خود از معایب و نواقص نظام قضایی ایران آگاه بود، ناگزیر ساخت اقداماتی را برای اصلاح آن انجام دهد که نتیجه‌ای در بر نداشت. اقدامات وی برای تأسیس دادگاه‌های مدنی، تشکیل شورای اداری به منظور تأمین همکاری مقامات محلی در کار حکومت و جلوگیری از ستم یا فساد آنها (شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۷. کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۵۹۷. د آلمانی، ۱۳۳۵: ۴۴-۴۰)، دایر کردن «صندوق عریضه» در سطح شهر برای دریافت و رسیدگی به شکایات مردم (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۰۴-۶۰۳)، صدور فرمانی جهت لغو بست‌نشینی و ایجاد دادگاه‌هایی برای رسیدگی به دعاوی افراد (همان: ۵۹۷)، صدور اعلان یا دستخط مورخ رمضان ۱۳۰۳ق. راجع به آزادی جان و مال افراد و موظف نمودن مأموران در اجرای این حکم (نک: همان: ۵۹۸. د آلمانی، ۱۳۳۵: ۴۳)، دستور به دارالشورای کبری برای تعیین قانونی در امور عدلیه، ایجاد تشکیلاتی برای وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۰ق. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۲۱۰۲-۲۱۰۱؛ ۱۳۶۳: ۱/ ۴۱۲-۴۱۱) همه بی‌نتیجه ماند.

در مجموع تلاش ناصرالدین شاه برای تأسیس دادگاه‌های قضایی و تدوین مجموعه قوانین که بتواند در برقراری امنیت اجتماعی مؤثر باشد به جایی نرسید و دارالشورای کبری دولتی و وزارت عدلیه نیز در ایجاد امنیت عمومی و جلوگیری از تعدیات و اجحافات بر مردم موفقیتی نداشت. زیرا ساختار ناسالم و فسادپذیر حکومت قاجاری و شیوه اداره ایالات که در دست افراد متنفذ و پول‌دوست بود و طبیعت استبدادگرای خود پادشاه مانع از اجرای برنامه‌های اصلاحی می‌شد. در واقع در ایران عصر قاجار، کیفرهایی که نسبت به مجرمان نیز انجام می‌گرفت به منزله دفاع برای نگهداشت و تحکیم جامعه در برابر کسانی که موجودیت آن را تهدید می‌کردند نبود، بلکه عملی انتقامی بود و شدت و ملایمت انواع کیفرها بر این ضابطه اعمال می‌شد. غالباً به اشاره شاه یا حکام ایالات بر اساس عرف و مصلحت مجازات‌هایی اعمال می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲۷. دروویل، ۱۳۸۹: ۱۹۰) که به‌رغم خشن بودن آنها اما بازدارنده و کارساز نبودند و در تأمین امنیت عمومی و فراگیر تأثیر مطلوبی نداشتند.

۳-۱۰. تأسیس نیروهای جدید امنیتی

به دلیل عدم کارایی نیروهای امنیتی موجود نظیر داروغه، عسس، گزمه، قراول و ... در برقراری امنیت مطلوب در کشور و نیز در اثر روابط با غرب و متأثر از تحولات کشورهای اروپایی و شیفتگی ناصرالدین شاه به برخی از تأسیسات تمدنی جدید که در سفرهای اروپایی خود با آنها از نزدیک آشنا می‌شد، تمایل برای تأسیس نیروهای امنیتی نوین در کشور بالا گرفت و چند نیرو نظیر پلیس یا نظمیه، نیروی قزاق و ژاندارمری بتدریج با کمک اروپاییان در کشور شکل گرفت. از آنجا که تفصیل چگونگی، شرح وظایف، کارکردها و پیامدهای این نیروها در حوصله این مقاله نیست از بیان بیشتر خودداری و به اشاراتی کوتاه در این باره بسنده می‌شود.

ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر دوم خود به اروپا در سال ۱۸۷۸م. پلیس جدیدی به مفهوم اروپایی تأسیس کرد. اداره‌ی پلیس به نظمیه یا پلیس معروف بود که خلاصه‌ی «اداره‌ی نظمیه و پلیس دارالخلافه» بود. نخستین رئیس اداره‌ی پلیس، کنت د مونت فرت اطریشی بود. همه‌ی مقاماتی که در خدمت یک جوخه‌ی پلیس بودند، مانند داروغه‌ی بازار، کدخدایان و سرگزمه، همه در زیر فرماندهی رئیس پلیس درآمدند. به تعبیری، شغل شحنگی شهر و پاس بیوتات و اسواق دارالخلافه با این گروه انبوه شد و از دید اعتمادالسلطنه، نقش مهمی در مبارزه با سرقت و حفظ نظم عمومی داشتند. هدف تجدید سازمان، هماهنگ کردن تمام فعالیت‌های نیروهای پلیس بود. این نیرو با لباس و سلاح‌های جدیدی مجهز شد. در آن زمان، صاحب منصب اداره‌ی پلیس، لقب نظام‌الملکی و امتیاز امیرتومانی داشت و اجزاء و اعضایش صاحبان مراتب و مواجب دیوانی بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۶۴). اصول وظایف پلیس به تفصیل در کتابچه‌ای که کنت فورت تنظیم کرده آمده و در برخی نوشته‌ها به آن پرداخته‌اند (محبوبی، ۲۵۳۷: ۲/ ۱۴۵-۱۴۱. سیفی، ۱۳۶۲: پیوست ۲۶-۱). وی همچنین برای انتظام امور نظمیه طرحی در ۱۸ فصل به شاه ارائه کرد (نک: سیفی، ۱۳۶۲: ۶۸-۵۸).

اما امین‌الدوله ارزیابی مثبتی از عملکرد پلیس جدید ندارد. به نوشته‌ی وی، صاحب منصب اطریشی که ریاست دستگاه پلیس را داشت طوری راه تعدی و ستم و مداخل و منافع حرام را آموخت که هیچ ایرانی به گرد او نمی‌رسید. مردم را به بهانه‌جویی می‌گرفتند و جزای نقدی از درآمدهای مشروع تلقی می‌شد. محترمین را به محبس پلیس می‌کشیدند و

در زجر و شکنجه جان‌ها تلف می‌شد و کسی هم از دولت و علما اعتراض نمی‌کرد و صدای مردم هم به جایی نمی‌رسید (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۵۶). پس از شکست واقعه‌ی رژی، رئیس کل گمرک که یک نفر ارمنی استانبولی و رئیس پلیس که اطریشی بود نسبت به مقام خود نگران شدند. چون شاه از طرز رفتار پلیس هنگام شورش اهالی پایتخت به هیچ وجه راضی نبود و می‌گفت که پلیس نه توانسته این حادثه را پیش‌بینی کند و نه جلوی آن را بگیرد، رئیس آن را عوض کرد و معاون آن اداره یعنی ابوتراب‌خان را به آجودانی خود برگزیده و مقام معاونت پلیس را ملغی ساخت. ابوتراب‌خان به فوریه گفته که رئیس تازه‌ی پلیس سیدعبدالله برادر میرزا عیسی وزیر نایب‌الحکومه‌ی تهران، این مقام را که تیول نایب‌السلطنه بود از او به ماهی ۱۰۰۰ تومان اجاره کرده است^۳ (فوریه، ۱۳۸۹: ۳۴۱-۳۴۰).

در انگیزه تأسیس ژاندارمری نیز به نقل امین‌الدوله، وی با این توجیه که قره‌سوران‌ها که وظیفه امنیت راه‌ها را داشتند خود شریک سارقین شده و از عهده‌ی امنیت برنیامده‌اند تصمیم گرفت عده‌ای ژاندارم با حقوق معین و لباس و ظاهر مرتب به سبک اروپا ترتیب دهد که هم بتواند راه‌ها را حفظ کند و هم در نظر دولت‌های خارجی مورد پسند واقع شود. از این روی به ماژور مالتای ایتالیایی که مدت‌ها در ایران بود، برای این کار مسئولیت داده شد (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۴۷. نیز، لیتن، ۱۳۶۷: ۱۷۷-۱۷۲).

با تأسیس قزاق‌خانه و نیروهای قزاق به فرماندهی افسران روسی (نک: لیتن، ۱۳۶۷: ۱۷۲-۱۷۱) نیز دولت در برخی حوادث از این نیرو برای جلوگیری از اغتشاش و هرج و مرج در کشور استفاده می‌کرد. چنانچه پس از ترور ناصرالدین شاه، صدراعظم دستخطی برای پالکونیک روس (کاساکوفسکی) رئیس قزاق‌خانه می‌فرستد با این مضمون که: «به عهده شما محول می‌شود که قزاق‌ها را احضار و در شهر به گشت بگمارید که از بروز اغتشاش جلوگیری به عمل آید»، او نیز برای احتراز از اغتشاش و جلوگیری از اشاعه شایعات مخاطره‌آمیز در آن ساعات بحرانی، امریه‌ای برای عموم صادر می‌کند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۳۶-۳۵). هنگام اعدام میرزا رضا کرمانی ضارب ناصرالدین شاه نیز صاحب‌منصبان قزاق‌خانه و قزاق‌ها با فرمانده آنها مأمور برقراری امنیت مراسم در میدان مشق می‌شوند (همان: ۹۲). فرمانده قزاق روسی از اوضاع پس از قتل ناصرالدین شاه گزارش می‌دهد که در شهر آرامش برقرار است و اجحافات شاید هم کم‌تر از زمان حیات شاه و حکومت نایب‌السلطنه باشد، زیرا که پلیس از قزاق‌ها ملاحظه دارد و صاحبان مناصب و اعیان از قدرت و خشونت صدراعظم می‌ترسند (همان: ۵۲). قزاق‌ها نیز گاه در راه‌ها مأموریت‌هایی نظیر استقبال از برخی شخصیت‌های خارجی، حفظ امنیت آنان،

محافظت از تأسیساتی که روس‌ها در ایران دایر کرده بودند، مانند مطب و ... برعهده داشته‌اند (نک: سایکس، ۱۳۶۳: ۲۵، ۳۶).

شاید در نتیجه این گونه اقدامات بازدارندگی و تأمین‌ی بوده که پولاک مطالبی را که در مخاطرات امنیت جانی و مالی گریبانگیر مسافران در ایران ذکر شده غلوآمیز دانسته و می‌گوید که در اطراف و اکناف ایران سفر کرده و در دل شب، فرسخ‌ها در بیابان‌های خشک و خالی طی نموده، اما هرگز دچار حادثه‌ی سوئی نشده است و در حد اطلاع در طول ده سال اخیر هیچ اروپایی به قتل نرسیده و اموالش به غارت نرفته است. به نوشته‌ی وی با قافله سفر کردن همواره حداکثر امنیت جانی و مالی مسافر را تأمین می‌کرد. بسیار کم اتفاق می‌افتاد که کاروانی مورد حمله‌ی تجاوزآمیز قرار گیرد و به استثنای مواردی معدود، در صورت وقوع حادثه‌ای، دزدان و غارتگران به زودی دستگیر می‌شدند و به مجازات می‌رسیدند. زیرا چون همه‌ی تجارت و معاملات داخلی و خارجی با کاروان انجام می‌پذیرفت، حکومت ناگزیر بود که حفظ و حمایت از کاروان‌ها را وجهه‌ی همت خود قرار دهد و هر نهب و غارتی را به شدت تمام کیفر دهد (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۲-۳۱۱). بنجامین نیز با ذکر نامنی آغازین پادشاهی ناصرالدین شاه اما امنیت بعدی آن را ستوده و به‌جز کردستان و بختیاری بقیه مناطق ایران را امن توصیف کرده که می‌توان در آن با خیال راحت مسافرت کرد. وی جاده‌های ایران را به مراتب امن‌تر از عثمانی و مانند بعضی از قسمت‌های اروپا و آمریکا دانسته و اشاره نموده که غیر از دستبردهایی که گاه به بسته‌های پستی حاوی پول زده می‌شد، در طول اقامت وی در ایران اخباری از حمله راهزنان به کاروان و مسافران در راهها نشنیده است. او تأکید می‌کند که در این زمان هیچ کشوری در مشرق زمین به اندازه ایران امنیت نداشته است. وی با ردّ برخی گزارش‌های نادرست درباره نامنی‌های ایران، وجود امنیت در این کشور را دلیل بر قدرت دولت و تسلط کامل آن بر مملکت دانسته است (بنجامین، ۱۳۹۴: ۲۲۳-۲۲۱).

یک سیاح روسی نیز در آغاز سلطنت محمدشاه قاجار از وجود امنیت شبانه در شهرهای ایران صحبت کرده و نوشته است که در ایران کسی را به هنگام شب در خیابان لخت نمی‌کنند و بنابراین احتیاط از دزدان لزومی نداشت. در میان جمعیت انبوه هم‌لوازم درون جیب عابران دست نخورده باقی می‌ماند (کورف، ۱۳۷۲: ۲۰۷). به‌رغم چنین اظهار نظرهای خوشبینانه، اما این امنیت در همه‌ی ایام و در همه‌ی مسیرها این گونه برقرار نبود. شاید از خوش‌شانسی پولاک، بنجامین و کورف بوده که دچار حادثه‌ی سوئی نشده‌اند و

تصور خویش را به سراسر کشور تعمیم داده‌اند. حتی اقدامات بایسته‌ی میرزا تقی خان که بروگش به درستی آن را توصیف کرده با مرگ امیر تداوم پیدا نکرد.

نتیجه‌گیری

در عصر قاجاریه، گسترده‌ی سرزمینی، پراکنده‌ی ایالات و وجود راههای ارتباطی گوناگون در کشور، مقوله امنیت را مهم می‌کرد و طبیعتاً زمینه‌ها و عوامل ناامنی و آشفتگی نیز بسیار بود. یکی از مسؤولیت‌های نظام سیاسی و ارکان دولت در رأس ایالات برقراری امنیت این قلمرو گسترده بود که به دلایلی از جمله ضعف ساختار تشکیلات حکومتی، ستمگری حکام، زراندوزی و میل به کسب ثروت در میان رجال حکومتی، چندان شکل مطلوبی به خود نمی‌یافت. افزون بر این، در این دوره، امنیت شهرها هر از گاه به دلایلی چون شورش‌ها، راهزنی و غارتگری، تهاجمات ابدلی، قدرت‌طلبی برخی حکام، مدعیان و شاهزادگان قاجاری در ایالات و یا مرکز، زورگویی و اجحافات نظامیان و غیره، آشفته می‌شد. در برابر این ناامنی‌های اجتماعی، اقدامات قاجارها مبتنی بر تدابیر ریشه‌ای و اساسی برای ایجاد امنیت پایدار و فراگیر و رفع زمینه‌ها، عوامل و بسترهای تقویت کننده ناامنی نبود، بلکه اقدامات سطحی و مقطعی در قالب لشکرکشی‌های نظامی برای سرکوب شورش‌ها، مجازات خشونت‌بار راهزنان و دزدان و حبس محکومین و تکیه بر نیروهای امنیتی سنتی و ناکارآمد بود. عدم وجود نظام عدلیه کارآمد و قوانین حقوقی بازدارنده جرایم، فساد رجال و کارگزاران دولت، فشارها و تحمیلات گوناگون بر مردم و نادیده انگاشتن حقوق شهروندی در نظام استبدادی مبتنی بر قدرت مطلقه فردی همراه با مداخلات دولت‌های بیگانه در امور داخلی کشور، از موانع پایداری امنیت اجتماعی در این دوره بود. بنابراین قاجارها بدون تغییر ساختار حاکمیتی و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه و بهبودی سطح معیشت و رفاه عمومی مردم، و نهادینه کردن امنیت در تاروپود جامعه، به اقدامات بازدارندگی خشن برای تثبیت و دوام قدرت سیاسی خود رو می‌آوردند که نمی‌توانست رضایت عمومی را از حاکمیت برآورده سازد. در نتیجه تنش‌های اجتماعی و کانون‌های بحران در گوشه و کنار کشور به طور فزاینده رخ می‌نمود و نظام قاجاری از عهده حل اساسی آن برنمی‌آمد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک: دوروششوار، ۱۳۷۸: ۶۷. سرنا، ۱۳۶۳: ۱۳۵-۱۳۳. ملکم، ۱۳۸۳: ۶۳۲-۶۳۱. دروویل، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۲. لایارد، ۱۳۷۶: ۶۳-۶۱. کرزن، ۱۳۷۳: ۵۹۳/۱. پولاک، ۱۳۶۸: ۳۱۶، ۳۲۳. فلاندن، ۲۵۳۶: ۴۲۲. بنجامین، ۱۳۹۴: ۱۸۱. د آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۸-۳۴. دربارهٔ مجازات‌های عرفی این دوره پژوهشی تفصیلی انجام شده که می‌توان به آن مراجعه کرد. نک: ثواقب، ۱۳۹۴: ۴۵-۲۳.
۲. برای آگاهی از اسامی صاحب‌منصبان ادارهٔ نظمی و پلیس تهران، نک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۷۶-۳۷۷

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی.
- احمدزاده، محمدامیر (۱۳۹۳)، «بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه (با تأکید بر آسیب‌شناسی نهادهای امنیت‌ساز)»، *مطالعات تاریخ انتظامی*، سال اول، شماره ۱، تابستان، صص ۷۴-۴۵.
- اصفهان‌ی، محمدحسن بن محمدرحیم لنجانی (۱۳۹۱)، *جبه‌الآخبار (بخش تاریخ زندیه و قاجاریه)*، به انضمام *نخبه‌الآخبار*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران، اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*، ترجمه و توضیحات علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا، زوار.
- اولیویه (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران، اطلاعات.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹)، *سفری به دربار سلطان صاحبقران ۱۸۶۱-۱۸۵۹*، ترجمه محمدحسین کردبچه، چاپ سوم، تهران، اطلاعات.
- بل، گرتروود (۱۳۶۳)، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی.
- بن‌تان، آگوست (۱۳۵۴)، *سفرنامه آگوست بن‌تان*، ترجمه منصوره نظام‌مافی اتحادیه، تهران، چاپخانه سپهر.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۹۴)، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه، چاپ سوم، تهران، اطلاعات.

جهانبخش ثواقب و سودابه معظمی گودرزی ۳۵

- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه‌ی پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، خوارزمی.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴-۱۳۹۳)، «علل ناپایداری امنیتی دوره قاجاریه»، *تاریخ ایران*، شماره ۱۷ (۷۵/۵)، زمستان-بهار، صص ۱۴۲-۱۰۹.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۴)، «مجازات‌های عرفی مجرمان در عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه ۱۲۰۹-۳۲۴ق)»، *جستارهای تاریخی*، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۴۵-۲۳.
- دآلمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران، کتابفروشی ابن سینا و مطبوعاتی امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۹)، *سفرنامه‌ی دروویل*، ترجمه جواد محبی، قم، نیلوفرانه.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، به کوشش فیروز منصوری، تهران، اطلاعات.
- دوید، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۸)، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی.
- دوروششوار، ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران، نی.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۳)، «موانع اجتماعی- فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۲۳-۹۹.
- ساروی، محمدفتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی «حسن‌التواریخ»*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، امیرکبیر.
- سایکس، سر پرس (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژنرال سر پرس سایکس یا ده‌هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، [تهران]، لوحه.
- سیرنا، کارلا (۱۳۶۳)، *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نو.
- سفرنامه حمزه میرزا: شرح لشکرکشی ۱۲۷۶ق*. به مرو از زبان یک شاهد عینی (۱۳۸۷)، تصحیح محسن رحمتی، تهران، نشر تاریخ.
- سید محمد لشکرنویس (۱۳۴۷)، *سفرنامه مرو*، در: سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، دانشگاه تهران، صص ۱۴۴-۷۲.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲)، *نظم و نظمی در دوره قاجاریه*، تهران، یساولی (فرهنگ‌سرا).
- شیرازی متخلص به خاوری، فضل‌الله (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شیرازی، عبدالوهاب بن علی اشرف (۱۳۹۱)، *نخبه‌الانخبار (بخش تاریخ زندگی و قاجار)*، ضمیمه جنبه‌الانخبار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ دوم، تهران، نشر نو.
- شیندلر، هوم (۱۳۴۷)، *سفرنامه خراسان (شاهرود)*، در: سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد، به اهتمام قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، دانشگاه تهران، صص ۲۱۱-۱۴۵.

۳۶ اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها

- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، تهران، اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱، تهران، توس.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۹)، *سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فووریه پزشک ویژه ناصرالدین شاه قاجار*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب.
- کورف، بارون فیودور (۱۳۷۲)، *سفرنامه‌ی بارون فیودور کورف (۱۸۳۴-۱۸۳۵)*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز.
- کاساکوفسکی، و. ا. (۱۳۵۵)، *خاطرات کنسل کاساکوفسکی*، ترجمه عباسقلی جلی، چاپ دوم، تهران، کتاب‌های سیمرخ (انتشارات امیرکبیر).
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.
- گاردان، کنت آلفرد دو (۱۳۶۲)، *خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، چاپ دوم، تهران، گزارش فرهنگ و تاریخ ایران.
- گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ ق. *از یک سیاح روسی (۱۳۶۳)*، ترجمه سید عبدالله، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران، طهوری.
- لایارد، اوستن هنری، (۱۳۷۶)، *سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران ۱۸۴۲-۱۸۴۰*، ترجمه مهرب امیری، چاپ دوم، تهران، آنزان.
- لمبتون، آن. ک. س. (۱۳۶۳)، *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷)، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰)*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، معین.
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۴)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزا رحیم فرزانه و به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین (۲۵۳۷)، *تاریخ مؤسسات تملنی جدید در ایران*، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- محمود میرزا قاجار (۱۳۸۹)، *تاریخ صاحبقرانی: حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۱۹۰-۱۲۴۸ ق)*، تصحیح نادره جلالی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، چاپ هشتم، ج ۲، ۳ و ۴، تهران، امیرکبیر.
- ملکم، سیر جان (۱۳۸۳)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران، سنایی.
- موریه، جیمز جاستی (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه*، سفر یکم از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک به قسطنطنیه، ۱۸۰۸-۱۸۰۹ م.، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد (۱۳۸۶)، *آثار نجم‌الدوله*، سفرنامه دوم نجم‌الدوله به خوزستان، تصحیح احمد کتابی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی (۱۳۶۳)، *گزارش ایران*، به اهتمام محمدعلی صوتی، چاپ دوم، تهران، نقره.

جهانبخش ثواقب و سودابه معظمی گودرزی ۳۷

همبلی، گاوین (۱۳۸۷)، «شهر سنتی ایران در دوره قاجاریه»، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجاریه، مجموعه تاریخ کمبریج، زیر نظر پیتر آوری، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، صص ۶۰۹-۵۵۳.

یوسفی‌فر، شهرام و حسن شکرزاده (۱۳۹۳)، «منصب داروغه در دوره قاجاریه»، پژوهشهای تاریخی دانشگاه اصفهان، دوره ۶، شماره ۱، بهار، صص ۳۸-۱۷.

